

به نظر می آید پیش از تعیین زمینه مطالعات خود در مورد نسخه های خطی و توصیف برخی روش ها که در تنظیم جزوها مشاهده کردیم توجه به برخی ویژگی های نسخ خطی خاورمیانه لازم باشد. در حقیقت نسخ خطی عربی، ترکی یا فارسی را می توان جداگانه بررسی کرد، یعنی زمینه تحقیقات خود را بر اساس زبانی که در استنساخ متون به کار رفته است محدود نمود. البته هر دو بخش این تحقیق بر اساس همین جداسازی زبان انجام شده است. بنا بر دلایلی که بعداً معلوم خواهد شد، به نظر می آید بررسی و تشریح دقیق مجموعه ها به این صورت فعلاً بهتر میسر می شود. ولی باید بدانیم که این عمل هر چند در وضعیت فعلی تحقیقات لازم به نظر بیاید، اشکال آن به وجود آوردن نوعی جداسازی ساختگی در قلمرو جغرافیایی تحت نفوذ اسلام است که یک کاتب به تحریر متون به زبان های مختلف می پرداخت، زیرا مسلمانان هر چند به زبان اردو، سواحلی یا بوسنیایی حرف بزنند، ولی وجه مشترکی دارند، که قرآن است و قرآن به زبان عربی است. اگر در جداسازی زبان ها زیاد سرسختی کنیم، با این خطر مواجه می شویم که حاصل کار یک کاتب یا یک کارگاه را متفرق سازیم، در صورتی که از نظر خط شناسی و نسخه شناسی آنها یک کلیت به هم پیوسته هستند.

در واقع اساس این تحقیق را می توان جغرافیایی زبانی منطقه یا ادوار تاریخی خاص قرار داد. این کار هم از نظر اصولی بسیار پسندیده است و هم احتمال دارد راه حلی باشد برای مسائلی که ما اغلب با آن مواجه ایم، از قبیل تعیین تاریخ و محل تحریر نسخ خطی. ولی در اینجا اصل مهمی که در نظر گرفته نمی شود، جابه جاشدن کاتبان است. در حقیقت ما می دانیم که کاتبان در پی حرفه خود به راحتی از محلی به محل دیگر می رفتند.

از پوست تا کاغذ نکاتی در مورد چند نسخه خطی در خاورمیانه

فرانسوا دروش*
و فرانسیس ریشار**
مترجم: جمیله دبیری***

چکیده: در این مقاله سیر تاریخی جزویندی در نسخ خطی در جهان اسلام بر اساس نسخه های خطی موجود در کتابخانه ملی فرانسه (پاریس) بررسی می شود.

کلید واژه: نسخه شناسی؛ نسخه های خطی؛ صحافی؛ کتابخانه ملی فرانسه (پاریس).

✓ مشخصات مقاله چنین است:

François Déroche, et Francis Richard, « Du parchemin au papier: Remarques sur quelques manuscrits du Proche-Orient », in *Recherches de Codicologie Comparée, La composition du codex au Moyem Âge, en Orient et en Occident* // Textes édités par Philippe Hoffmann.- Paris: Presses de l'École Normale Supérieure, 1998. pp. 183-197.

* François Déroche مدرسہ تجربی مطالعات عالی.
** Francis Richard رئیس بخش نسخه های خطی کتابخانه ملی فرانسه.
*** مترجم: کارشناس کتابداری و همکار بازنشسته کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

این عمل که بسیار هم متداول بود، بدون شک در مخلدوش کردن مرزهای قلمرو نسخه‌شناسی، چنانکه ما سعی در ترسیم آن داریم، سهم بسزایی دارد.

مشکل دیگر کثرت مواد است: در نتیجه دیر رسیدن صنعت چاپ به این منطقه، تا قرن نوزدهم و حتی تا اوایل قرن بیستم از متون نسخه برداری می‌شد و بازتاب چنین وضعیتی این تعداد بی‌شمار نسخ خطی است: فقط تعداد نسخ خطی عربی را باید سه میلیون^۱؛ تعداد نسخ خطی فارسی و در مقیاس کمتر نسخ خطی به زبان ترکی را صدها هزار به حساب آورد. ارقام قابل توجه‌اند، ولی مسائلی که مطرح می‌شود باز هم قابل توجه‌ترند: محقق در حقیقت با پراکندگی جغرافیایی مفرط و تنوع بسیار مواجه است. وانگهی دوام عمر طولانی نسخ خطی و استمرار استفاده از آنها، فرسودگی و آسیب دیدگی نسخ را به همراه داشته است. مرمت‌ها به سبک شرقی و گهگاه بی‌دربی، غالباً وضعیت اولیه نسخ را به کلی مختل کرده است، و به خصوص برش‌هایی که به هنگام صحافی‌های مکرر به کتاب‌ها زده شده، کمابیش بخش قابل ملاحظه‌ای از حواشی را از بین برده است و اینها کار نسخه‌شناس را حساس‌تر و دشوارتر کرده است.

با وجود این گنجینه ارزشمند نسخ خطی، کیفیت اطلاعاتی که از طریق فهرست‌ها در اختیار داریم، اغلب اوقات بسیار ناچیز است، البته اگر فهرستی موجود باشد، زیرا تعداد بسیاری از مجموعه‌ها چه عمومی و چه خصوصی فهرست نشده‌اند،^۲ و فهرست‌های موجود اغلب نابسنده هستند، و به ندرت مفروضات مربوط به نسخه‌شناسی را تکمیل می‌کند.^۳

ما برای یافتن پاسخی برای این مسائل مختلف، در

خود منابع شرقی به تفحص پرداختیم. در حقیقت از آنجا که عمل نسخه‌نویسی عمر طولانی داشته، و به علاوه از اعتبار بی‌نظیر هنر خطاطی و خطاطان بهره برده است، آثار کاتبان و نیز منابع ادبی مربوط به حوزه نسخه‌خطی نسبتاً فراوان است و تا حدی پاسخگوی علاقه‌مندان به این موضوع می‌باشد.^۴ در زبان عربی دو کلمه «دفتر» و «کراسه» داریم، دفتر به معنای دفتر ثبت، محاسبات و کتاب است و کراسه به معنای جزو یا ورقی از یک کتاب می‌باشد.^۵ آنچه مورد نظر ماست دفتر^۶ است. در دائرة المعارف اسلام مقاله‌ای تحت عنوان «دفتر» آمده است که شامل تاریخچه دفتر در زمینه مورد بررسی ما می‌باشد.^۷ در این مقاله با موضوعات مهمی برخورد می‌کنیم که پیوسته در تحقیقاتی که بر اساس تحلیل متون انجام می‌شود با آنها مواجه می‌شویم. ن. ابوت^۸ به این نکته دقیقاً اشاره کرده است:

گاهی معنای لغات نزد مؤلفان چنان با هم متفاوت است که یافتن معنای دقیق یک واژه و اجتناب از تداخل مسائل مختلف با هم بی‌اندازه مشکل می‌شود. به علاوه وسواس‌های زبان‌شناسی و منطق تاریخی با شناخت شفاف مسائل خاص نسخه‌شناسی همیشه در یک تراز نیستند. با خواندن مقاله «دفتر»، ابتدا در می‌یابیم که «پاپيروس‌ها ثابت می‌کنند که در مصر اسناد مربوط به زمین، جمعیت و خراج حفظ می‌شد و این اسناد باقی مانده در دفاتر قرار دارند و دوازده خط پایین‌تر مؤلف تأکید می‌کند که اپاپيروس [برای جزوبندی مناسب نبود].^۹

جستجو جهت یافتن اطلاعات فنی دقیق - در منابع جمع‌آوری شده به وسیله کسانی که سعی کرده‌اند تاریخ

1. J.J. Witkam, *Aims and methods of cataloguing manuscripts of the Middle East*, در F. Déroche, éd., *Les manuscrits du Moyen-Orient. Essais de codicologie et de paléographie* [Varia Turcica, VIII], Istanbul / Paris, 1989, p.1.

۲. J.J. Witkam, همان (پانویس شماره ۱)، ص ۲-۴.

۳. بسیاری از فهرست‌ها فقط صورت اسامی کتاب‌هاست؛ متخصصان نسخه‌های خطی خاورمیانه منابع کافی در اختیار ندارند و اغلب چاره‌ای جز این نیست که نسخه را در محل مورد بررسی قرار دهند.

۴. تمایل مشابهی را می‌توان در حوزه خط‌شناسی مشاهده کرد؛ نک:

F. Déroche, *Les écritures coraniques anciennes: bilan et perspectives*, در *Revue des études islamiques*, XLVIII, 1980, pp. 207-224؛ نمونه‌ای از آن در N. Abbott, *Arabic paleography* (*Ars islamica* VIII, 1941, pp. 65-104).

5. E. Lane, *An Arabic-English lexicon*, t. I/3, pp. 889-890, مدخل «daftar»; *Wörterbuch der klassischen arabischen Sprache*, I, pp. 127, مدخل «kurās».

به گفته گ. تروپو (Troupeau) هر دو واژه از زبان‌های دیگری گرفته شده‌اند: اولی از یونانی (از طریق زبان فارسی) و دومی از سریانی. *در این مقاله منظور از دفتر همان جزو است... مترجم.

6. B. Lewis, EF, III, pp.78-93, مدخل «daftar».

7. N. Abbott, *Studies in Arabic literary papyri, II, Qur'anic commentary and tradition*, The University of Chicago, Oriental Institute publications, LXXVI, Chicago, 1967, pp. 57.

۸ همان پانویس شماره ۶، ص ۷۹. مقایسه شود با:

A. Grohmann, *Arabische Paläographie, I. Teil* [Österreichische Akademie der Wissenschaften, Phil.-historische Klasse, Denkschriften, 94/1], Wien, 1967, pp. 75.

یادداشت‌ها در حواشی و همراه قرآن‌ها روشنگر راه طی شده و محل تحریر آنها می‌باشد.^{۱۳} در مورد زمان تحریر آنها نیز جای شبهه وجود ندارد؛ زیرا خط شناسی از یک سو و استفاده از پوست از سوی دیگر حدود زمانی دقیق تنظیم نسخ را مشخص می‌نماید. برای دوره‌ای که ما جهت بررسی مشخص کردیم، پوست عامل تعیین کننده است، زیرا در بسیاری از نسخ خطی متعلق به این دوره که به دست ما رسیده از آن استفاده شده است. نه اینکه از پاپیروس استفاده نمی‌شد، بلکه کتاب‌های بسیاری از پاپیروس به طور کامل یا ناقص باقی مانده است^{۱۴} و وجود آنها دلیل استفاده از آن است، اما بدون شک شکنندگی و آسیب‌پذیری آن سبب شده است که آثار باقیمانده از پاپیروس بسیار نادر باشد. در دنیای اسلام، در اصل از قرن دوم هجری / هشتم میلادی کاغذ تولید می‌شد^{۱۵}، ولی در طرح نمونه ما کاغذ به معنای واقعی در طی قرن چهارم هجری / دهم میلادی پدیدار می‌شود، البته در نیمه دوم قرن سوم هجری / نهم میلادی نمونه‌های پراکنده‌ای وجود دارد.

جزوهای تعدادی شماری از نسخ خطی مابین برگ‌ها هستند، یعنی تشکیل ده ورق را می‌دهند^{۱۶}. ترتیب

استفاده از دفاتر در سنت دست‌نویس‌های اسلامی را تدوین نمایند - بیهوده است. در اصل باید در نظر داشته باشیم در دنیایی که کتاب خطی میزان کمال و حد مطلوب بود،^{۱۷} مسلمانان خیلی زود این قالب را برای قرآن و کتاب‌های دیگر خود انتخاب کردند؛ طومار که خطوط عمود بر طول آن نوشته می‌شد نیز شناخته شده بود، ولی استفاده از آن محدود به نامه‌ها و یادداشت‌های شخصی یا اسناد قانونی بود.^{۱۸}

جزوهای نسخ خطی از پوست (کاغذ پوست) در قرون سوم و چهارم هجری

بررسی زیر نتیجه مطالعه قرآن‌های خطی قدیمی در مجموعه‌های پاریس^{۱۹} و استانبول^{۲۰} است: در هر دو مجموعه اکثر نسخ در قطع مستطیل افقی (بیاضی) و قطع عمودی هستند، و از گزینه به دست آمده‌اند که اوکی در مسجد عمرو و فسطاط، و دومی در مسجد امویان دمشق واقع بوده است، به این مجموعه‌ها نسخ خطی پراکنده‌ای نیز اضافه شده است. البته کاملاً اشتباه است که این نسخ را نسخه‌های خطی مصری یا دمشق‌ی بدانیم، زیرا همان طور که قبلاً ذکر کردیم نوشته‌ها و

۹. بر اساس منابع عرب، "دفتر" (daftar-codex) در زمان خلافت سفاح (اوکین خلیفه عباسی) در تشکیلات اداری مورد استفاده قرار گرفت؛ این نظریه فراگیر جهان اسلام نمی‌تواند باشد. زیرا در مصر (حکومت محلی) از codex استفاده می‌شد و سابقه قبلی داشته است، نک: J. Gascou, *Les codices documentaires égyptiens*, در A. Blanchard, éd. *Les débuts du codex* [Bibliologia 9], Turnhout, 1989, pp. 71-101).

به علاوه نمی‌توان گفت که از Codex در قلمرو ادبیات استفاده نمی‌شده است.
۱۰. برای کاربرد طومار، نک: N. Abbott, همان، (پانویس شماره ۷)، ص ۵۷-۵۸؛ صحیفه: A. Grohmann, همان، (پانویس شماره ۸) ص ۱۰۸. دواوین dawāwīn؛ همچنین نک:

S. Ory, *Un nouveau type de mushaf. Inventaire des Corans en rouleaux de provenance damascaine. conservés à Istanbul*. *Revue des études islamiques* XXXIII, 1966, pp. 87-149.

۱۱. F. Déroche, *Les manuscrits du Coran. Aux origines de la calligraphie coranique* [Bibliothèque nationale, Catalogue des manuscrits arabes, 2^e partie, I/2], Paris, 1983.

۱۲. برای شرح مجموعه اوراق دمشق (شام اوراقی) که در موزه هنرهای ترک و اسلامی در استانبول حفظ می‌شود، نک:

J. Sourdel-Thomine et D. Sourdel, *Nouveaux documents sur l'histoire religieuse et sociale de Damas au Moyen Âge*, *Revue des études islamiques* XXXII, 1964, pp. 1-25, و *À propos des documents de la Grande Mosquée de Damas conservés à Istanbul. Résultats de la seconde enquête*, در *Revue des études islamiques* XXXIII, 1965, pp. 73-85;

این مجموعه فعلاً در دست مطالعه نگارنده است. به این اوراق مجموعه مخازن کتابخانه‌های موزه هنرهای ترک و اسلامی (فهرست نشده) و توپکاپی‌سرای (Araçça yazmalar katalogu, I, Istanbul, 1962) در صورتی که از محلی به محل دیگری برده شده‌اند بسیار است. قرآن Amâgûr که در صور Tyr وقف شده بود، به صورت پراکنده و متفرق به دمشق و قاهره رسید؛ قرآن دیگری (به شماره 358 Arabe در کتابخانه ملی فرانسه) از طرسوس به مصر رفت، نسخه دمشق دیگری که در قاهره (دارالکتب، مصاحف ۱۸۸) حفظ می‌شود، و با وجود کلیه توضیحات و نشان‌هایی که بدون هیچ گونه ابهام، وقف بودن آن را ثابت می‌کند از نظر آ. گروهمن نسخه‌ای مصری است؛ Th. Arnold et A. Grohmann, *The Islamic book*, Florence, 1929, pp. 46؛ نمونه این نسخه خطی در b 42, *Arabic palaeography*, Le Caire, 1905, pl. 42 B. Moritz, چاپ شده است.

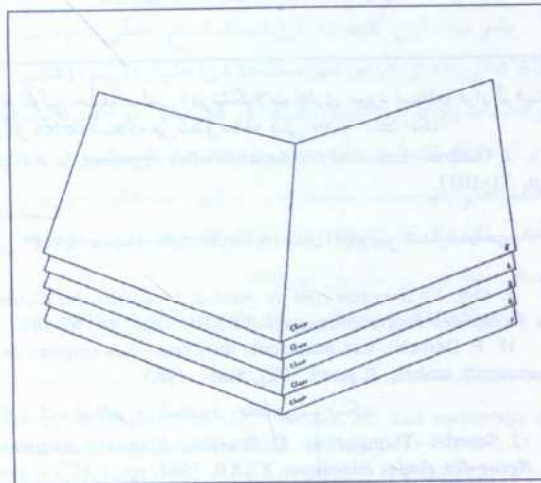
۱۴. به ویژه نک: نسخ خطی قاهره، دارالکتب، حدیث ۲۱۱۳.
(J. David-Weill, *Le Djami' d'Ibn Wahb* [Publications de l'IFAO, III, Le Caire, 1939-1941], Heidelberg, P. Schott-Reinhardt Arab. 23 (R.G. Khoury, *Wahb al-Munabbih* [Codices arabici antiqui I], Wiesbaden, 1972).

۱۵. برای توضیحات کتابشناسی در مورد کاغذ در قلمرو اسلام، نک: A. Grohmann, همان پانویس شماره ۸، ص ۹۸-۱۰۵.

۱۶. این مطلب را قبلاً ر. سلهایم (R. Sellheim) در جلد پنجم *Encyclopedie de l'Islam* مدخل "Kitab"، ص ۲۰۵ آورده است؛ توضیح مشابهی نیز در (44) M. Beit-Arié (*Hebrew codicology*, Paris, 1976; pp. 44) و اشاره مختصری در W. Fischer, éd., *Grundriss der arabischen Philologie*, I, Wiesbaden, 1983, pp. 280) G. Endress (*Handschriftenkunde*) آورده است.

قرار گرفتن اوراق در جزو بسیار منطقی و منسجم است: صفحات خارجی جزو - یعنی رویه اولین ورق و پشت آخرین ورق - سمت رخ پوست است و این کاملاً خلاف نظریه آ. گروهمن می باشد، که به نظر می آید کاربرد پوست را فقط در اسناد قانونی و مراسلات مورد توجه قرار داده است.^{۱۷} این ترتیبی که صفحات بیرونی دو ورق آخر هر جزو سمت رخ پوست است، در مورد تمام اوراق دیگر نیز رعایت شده است: به طور کلی این نظم اکثر جزوهایی است که در طرح نمونه ما مورد بررسی قرار گرفته اند و تناوبی که در «اصل گرگوری»^{۱۸} بیان شده است در این نمونه ها مشاهده نمی شود. بر اساس این اصل، ردیف اوراق به ترتیب زیر است: (برای مشخص کردن ترتیب قرار گرفتن هر صفحه، رو و پشت صفحه را با خط موربی از هم جدا می کنیم: مثلاً «رخ/لش» یعنی روی صفحه سمت رخ پوست و پشت صفحه سمت لش آن است.)

۱- رخ/لش، ۲=لش/رخ، ۳=رخ/لش، الی آخر.
در نسخ خطی طرح نمونه ما ردیف اوراق بدین ترتیب است (تصویر شماره ۱)



تصویر شماره ۱

۱- رخ/لش، ۲=رخ/لش، ۳=رخ/لش، الی آخر.
در اینجا فقط دو مورد تشابه با نسخ خطی غربی مشاهده می شود: یک مورد به صفحات بیرونی جزوها مربوط است، از آنجا که صفحات بیرونی هر جزو سمت رخ پوست است، چون جزوها در کنار هم قرار گیرند، دو سمت رخ روبه روی هم واقع می شود؛ و مورد دیگر صفحه وسط جزو است، که سمت «لش» پوست می باشد، و به ناچار مقابل هم قرار دارند.

این شیوه تنظیم جزوها محدود به نسخ خطی عربی اسلامی نیست: پیش از آن طی قرون پنجم و ششم میلادی نسخ سریانی نیز به همین ترتیب تنظیم می شدند.^{۱۹} با بررسی سریع نسخ خطی مخزن سریانی کتابخانه ملی فرانسه معلوم شد که بسیاری از جزوها پنج برگی هستند و ترتیب قرار گرفتن اوراق با شرحی که قبلاً داده شده است کاملاً منطبق می باشد. نمونه های قابل ذکر قدیم ترین نسخه هایی است که از «سیرت» (Siirt) به دست آمده، و متعلق به قرن هشتم و نهم میلادی است: نسخه خطی کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۳۴۱ Syriac در اصل از جزوهای پنج برگی تشکیل شده بود، ولی بر اثر ترمیم بیش از حد در اواسط همین قرن، جزوهای آن به سه برگی تبدیل شدند، نسخ خطی شماره های ۳۶۰ و ۳۶۱ Syriac نیز همین وضعیت را دارند. به هر حال در تمام این موارد، صفحات روی ورق اوّل جزو، سمت رخ پوست است.

این روش کار، تنها غرابت نسخ خطی ما نیست. در واقع متوجه شدیم که اوراق جزوها همیشه دو ورقی نیستند، و اغلب بین دو ورق ها یک تک ورق قرار دارد، هر تک ورق لبه ای دارد که در اصل کار ورق مقابل را انجام می دهد و در نیمه دیگر جزو قرار می گیرد. به این ترتیب الحاق یک ورق به مجموعه را امکان پذیر می سازد.

تعداد این تک ورق ها که برای سهولت آن را «الت»

۱۷. A. Grohmann, همان (پانویس شماره ۸)، ص ۱۱۱. در دنیای عرب «پایروس» به اسناد اطلاق می شد، هر چند آنها بر پایروس، پوست، کاغذ، چرم یا پارچه نوشته شده بودند.

۱۸. گرگوری اولین کسی بود که اعلام کرد که در جزوهای نسخ خطی یونانی، ترتیب قرار گرفتن اوراق به صورتی است که سمت لش یک ورق روبه روی سمت لش ورق بعدی است، و به عکس این ترتیب ورق در مورد سمت رخ نیز صحت دارد.

(C. R. Gregory, Les cahiers des manuscrits grecs, dans CRAI, 1885, pp. 261-268)

این وضعیت در نتیجه تا کردن پوست برای تنظیم جزو به وجود می آید (برای این مورد نک:

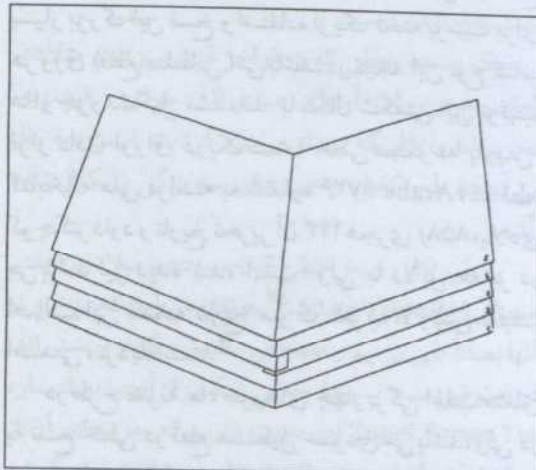
L. Gilissen, *Prolégomènes à la codicologie. Recherches sur la construction des cahiers et la mise en page des manuscrits médiévaux* [Les publications de Scriptorium, 7], Gand, 1977). J. Irigoin, pp. 1-19, همان،

۱۹. متأسفانه امکان نیافتیم نسخ خطی سریانی لندن 12150 British Library Add. (محل تحریر ادراسد سال ۴۴۱ ق) Add 14425 (محل تحریر آمد / دیاریکو در تاریخ ۴۶۴ ق) را مورد بررسی قرار دهیم. در مورد ساخت نسخ سریانی همین کتاب (Recherches de codicologie comparée) فصل ۱۵۳-۱۶۹ F. Briquel-Chatonnet مورد مطالعه قرار گیرد.

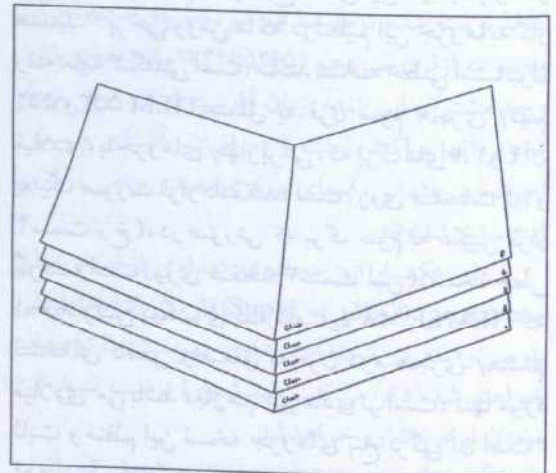
در یک جای خاص، وسط اوراق قرار داده شده است. به نظر می‌آید که این نوع جزوها استحکام بیشتری داشته‌اند و این دلیل کثرت استفاده از آن است. از بین امکانات مختلفی که این شیوه تنظیم جزوها در اختیار می‌گذارند، تنها نمونه دیگری که در بیش از ده درصد موارد مشاهده شده است، جزوهایی است که شش‌لت بین دو برگ دو ورقی قرار دارد (تصویر شماره ۲). در برخی جزوها قرینه حفظ نشده است؛ یعنی به جای اینکه لتهایمانند مثال اول اوراق ۳ و ۸ باشند اوراق ۴ و ۸ هستند (تصویر شماره ۴)؛ با این همه باید تصریح کنیم که غالباً مجموع اوراق این گونه جزوها همان ده ورق است، و ترتیب قرار گرفتن سمت رخ و لش پوست همان تناوبی را دارد که قبلاً ذکر شد. این مطالب در مورد نسخ خطی با قطع مستطیل افقی (بیاضی) و عمودی هر

می‌نامیم، اغلب از دو ورقی‌ها کمتر است، ولی گاهی دیده شده که بخش اصلی جزو را تشکیل می‌دهند. این لتهای هیچگاه ورقه تصحیحی نیستند. در یک مجموعه نسخه خطی با وضعیت نسخه شناسی کاملاً مشخص^{۲۰} مشاهده شد که فقط یک چهارم جزوها از پنج دو ورقی (تصویر شماره ۱) تشکیل شده‌اند.

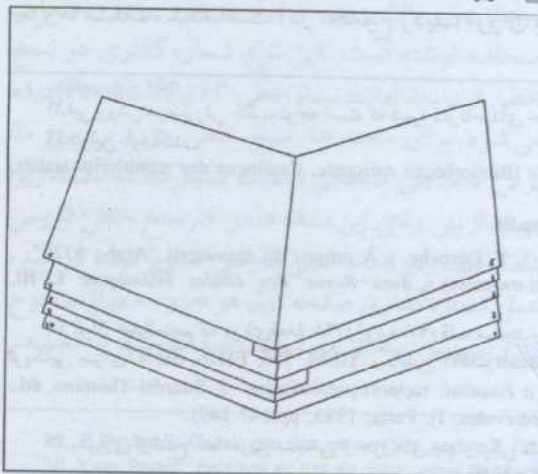
در باقی جزوها این لتهای کاررفته‌اند، آنها را قرینه یکدیگر قرار می‌دادند تا جایگزین دو ورق شود، و مجموع اوراق جزوها همان ده ورق باقی بماند. قرار دادن دو "لت" درست در وسط اوراق یک جزو به ترتیبی که به جای اوراق ۳ و ۸ (تصویر شماره ۳) قرار گیرند روش بسیار متداولی در طرح نمونه مامی باشد و شمار آن مشابه جزوهای پنج برگی است. به طور کلی در ۴۰٪ جزوهای این دسته از نسخ خطی، دو لت به صورت قرینه ولی نه



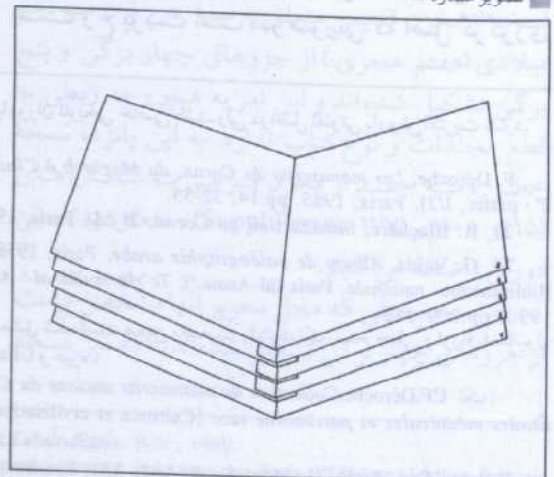
تصویر شماره ۳



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۴



تصویر شماره ۲

۲۰. قرآن‌های متعلق به قرن سوم هجری / نهم میلادی، که خط آن از نوع BII می‌باشد؛ نک:

F. Déroche, À propos d'une série de manuscrits coraniques anciens. در F. Déroche, éd., *Les manuscrits du Moyen-Orient. Essais de codicologie et de paléographie* [Varia Turcica VIII], Istanbul / Paris, 1989, pp. 101-111.

دو صادق است.

دو اصل رایج و غالب در ترکیب جزوها، تعداد اوراق (ده ورق) و ترتیب آنها است، که طبیعتاً استثناهایی نیز دارد. مابۀ طور پراکنده نمونه هایی از این استثناها را جمع آوری کردیم، البته مواردی را که فقط وارونگی قرار گرفتن اوراق در جزو سبب شده که روی صفحات نیمه اول جزو سمت لش پوست باشد،^{۲۱} نادیده گرفتیم. همچنین نسخ خطی مغربی مؤخرتر را که ترکیب جزوهای آن سه برگی است،^{۲۲} در محدوده این بررسی به حساب نیاوردیم. ولی در نسخه خطی مجموعه پاریس، کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۳۲۴ c Arabe که ر. بلاشیر آن را منتخب آیات^{۲۳} دانسته، روی تمام صفحات سمت لش پوست است، البته این مورد در منتخبات آیات مشابه نیز مشاهده شده است، مانند نسخه خطی استانبول، ۵۱ و ۵۲ TIEM؛ بدون شک دلیل آن قطع بسیار بزرگ این نسخ و استفاده از یک تخته پوست برای هر ورق (قطع سلطانی) می باشد. در نتیجه این نوع کتاب ها از جزو تشکیل نشده اند. با کمال شگفتی این ترتیب قرار دادن اوراق در یک نسخه خطی مجموعه پاریس، کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۶۷۲۶ Arabe، که قطع کوچکتر دارد و تاریخ تحریر آن ۲۴۳ هجری / ۸۵۸ میلادی می باشد نیز دیده شده است؛ ولی با دلایل معتبر در اصالت این نسخه تاریخ ملوک العرب الاولین تألیف اصمعی، تردید است.^{۲۴}

در طرح نمونه ما، جزوهای چهار برگی اغلب متعلق به نسخ خطی در قطع مستطیل عمودی می باشد، ولی در نسخ خطی در قطع مستطیل افقی (بیاضی) نیز این گونه جزوها مشاهده شده است؛ در مجموع ردیف اوراق با

همان ترتیب معمول لش و رخ مطابقت دارد.^{۲۵} در مواردی اصل گرگوری رعایت شده است؛ مثلاً در نسخ خطی عربی مسیحی^{۲۶}، و شاید همچنین در قرآنی با قطع مستطیل عمودی، متعلق به قرن دوم هجری / هشتم میلادی، از مجموعه پاریس، کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۳۲۸۹ Arabe (البته در صورتی که ترمیم این نسخه در قرن ۱۹ آن را کاملاً دگرگون نکرده باشد).

آیا از این نمونه باید این نتیجه را گرفت، که عمل تازدن کاغذ برای تنظیم جزوها از قدیم الایام در دنیای اسلام مرسوم بوده است؟ آیا با استناد به موارد مشابهی است که ر. سلهایم (R. Selheim) اظهار می دارد: «اوراق پوست که چهار تا می خورده و در داخل یکدیگر قرار می گرفته، تشکیل کراریس را می داده است»^{۲۷}؟ فعلاً از عمومیت دادن به این نظریه که چندان خاص هم نیست خودداری می کنیم، زیرا نسخ خطی این عهد بسیار نادر هستند.^{۲۸} برخی روش ها که در تنظیم این جزوها به کار رفته مایه شگفتی است؛ مانند نسخه خطی استانبول ۵۵۲ و ۵۵۳ TIEM متعلق به قرن سوم هجری / نهم میلادی، با جزوهای چهار برگی، که برگ های ۱، ۲، ۴ و آن به یک صورت قرار داده شده است (روی صفحات ۱، ۲ و ۴ سمت رخ)، در صورتی که برگ سوم به عکس قرار گرفته است (روی صفحه ۳ سمت لش). نسخه خطی استانبولی دیگری به شماره ۱۴۸ TIEM SE که نسخه ای ناقص و متعلق به قرن دوم هجری / هشتم میلادی می باشد، باز هم غیرعادی تر است؛ تنها مورد ثابت و منظم این نسخه جزوهای پنج برگی آن است؛ روی صفحه اول این جزوها گاهی سمت لش و گاهی سمت رخ پوست است، در صورتی که اصل گرگوری

۲۱. این روش در صورتی جالب توجه است که شیوه کار ناحیه ای خاص یا دوران تاریخی خاصی باشد. ولی در اصل تفاوتی با روش اکثریت ندارد. در این باره نک:

F. Déroche, *Les manuscrits du Coran, du Maghreb à l'Insulinde* [Bibliothèque nationale, Catalogue des manuscrits arabes, 2^e partie, I/2], Paris, 1985, pp.14, 32-35.

23. R. Blachère, *Introduction au Coran*, 2^e éd., Paris, 1959, pp.96.

24. G. Vajda, *Album de paléographie arabe*, Paris, 1958, pl. 3; F. Déroche, « À propos du manuscrit "Arabe 6726" », Bibliothèque nationale, Paris (al-Asma 'i, Ta'rih mulūk al-'Arab al-awwalin), dans *Revue des études islamiques* LVIII, 1990, pp.202-212.

۲۵. قرآن عبدالمنعم که در ذی قعدة ۲۹۸ / ژوئیه ۹۱۱ وقف مسجد جامع دمشق شده است همین وضعیت را دارد؛ نک: نسخ خطی و اوراق استانبول توپکابی سرای 47 SE, TIEM, 556, EH16, و دابلین ۱۴۲۱ Chester Beatty و غیره.

۲۶. بسیاری از نسخ خط عربی مسیحی از جزوهای چهار برگی تشکیل شده اند، مانند: CF. Déroche, *Collection de manuscrits anciens du Coran à Istanbul: rapport préliminaire*, J. Sourdel-Thomine, éd., *Études médiévales et patrimoine turc* [Cultures et civilisations médiévales, I], Paris, 1983, pp.147-149).

۲۷. بسیاری از نسخ خط عربی مسیحی از جزوهای چهار برگی تشکیل شده اند، مانند:

Vatican, Cod. Arab. 71; Mont Sinaï, Arab. 151; Londres, BL Or.4950.

۲۸. فقط این نسخه آخر (نسخه لندن) را توانستیم مورد بررسی قرار دهیم، که جزوهای آن با اصل گرگوری مطابقت داشت. در مورد تنظیم نسخ خطی عربی مسیحی، در همین کتاب *Recherches de Codicologie Comparée* (ص 199-204) تحقیق J. Grand-Henry دیده شود.

۲۷. R. Sellheim همان پانویس شماره ۱۶، ص ۲۰۴، ستون ۲.

۲۸. نسخه خطی استانبول 2490 TIEM SE را می توان ذکر کرد که در عهد دیگری به همین روش تنظیم شده است.

نیز جزوهای آن چهار برگی است، ولی محل تحریر آن مشخص است و در قونیه (آسیای صغیر) استنساخ شده است. چنین به نظر می آید که استفاده از جزوهای چهاربرگی برای استنساخ متون فارسی در نیمه دوم قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) بسیار مرسوم بوده است. دو نمونه قدیم تر در دست داریم که آنها نیز به همین شیوه از جزوهای چهاربرگی تشکیل شده اند: نسخه خطی به شماره ۱۶۱۰ Suppl. Persan متعلق به اوایل قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری)، که محل تحریر آن در آذربایجان است؛ نسخه خطی دیگر به شماره ۱۷۴۰ Suppl. Persan متعلق به قرن دوازدهم میلادی (ششم هجری)، که محل تحریر آن مشخص نیست.

سه نسخه خطی دیگر که محل تحریر آنها مشخص نیست از جزوهای پنج برگی تشکیل شده اند؛ نسخه چهارم در بغداد، و نسخه پنجم ظاهراً در آذربایجان استنساخ شده است.

یک نسخه خطی که در اواخر قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) در آسیای صغیر (آق سرای و قیصریه) تحریر شده، با اینکه بسیار مرمت گردیده است، به نظر می آید به طور کامل از جزوهای سه برگی تشکیل شده باشد.

به طور کلی نسخ خطی قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) فاقد راده هستند.^{۳۲} به نظر می آید که برخی از آنها بعداً طی ترمیم و صحافی، شماره گذاری شده اند. در عوض سه نسخه خطی (یکی از آنها به شماره ۴۱۵ Suppl. Persan) در دست داریم که جزوهای آن از اصل شماره گذاری شده اند، این شماره را کاتب در گوشه سمت چپ بالای صفحه اول هر جزو برای راهنمایی صحاف نوشته است. این نوع شماره گذاری در نسخ خطی قرن بعد (مانند نسخ خطی ۶۳ و ۱۶۶ Persan) دیده می شود. برای مجموعه نسخ خطی مورد بررسی ما، برش کاغذ طی صحافی اهمیت بسیار داشته است، زیرا سبب از بین رفتن این نشانه ها در اکثر نسخ خطی قدیمی شده است. در نسخ خطی فارسی تحریر شده در هند، عمل شماره گذاری صفحه اول هر جزو، به موازات درج راده در پایین سمت چپ پشت صفحه، تا قرن هجدهم

مورد نظر بوده باشد، اغلب ناهماهنگی در برگ های شماره ۲ و یا ۴ دیده می شود.

جزوها و کاربرد کاغذ در نسخ خطی فارسی

مطالبی که در اینجا ارائه می شود ناقص و نتیجه تحقیقی است که به صورت تجربی برای تألیف فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی فرانسه^{۳۳} انجام شده است. متأسفانه اطلاعات ما در مورد طرز تهیه کاغذ و استفاده از آن در ایران کامل نیست. به نظر می آید که از زمان های بسیار قدیم در ایران از کاغذ استفاده می شده و از دیرباز کاغذ از چین به ایران وارد گردیده است. ولیکن به ندرت در متون قدیمی به این مسئله پرداخته اند و توضیحات داده شده نیز بسیار مختصر است.^{۳۴} از این رو بررسی نسخه های خطی اهمیت خاص دارد.

در جلد اول فهرست ما، ۳۸۹ جلد کتاب که روی کاغذ نوشته شده توصیف می شود، تاریخ استنساخ این مجموعه از قرن سیزدهم (۱۲۶۵ تا ۱۷۳۱ م) به بعد می باشد. وجه مشترک این نسخ زبان فارسی است، ولی محل تحریر آنها پراکنده است و در ایران، آسیای صغیر و امپراتوری عثمانی، آسیای مرکزی، هند و برخی در اروپا استنساخ شده اند.

برای تکمیل این مجموعه تعدادی از نسخ خطی مخزن فرعی (الحاقی = Suppl.) فارسی کتابخانه ملی پاریس را که در مجلدات بعدی فهرست ما توصیف خواهند شد، ذکر می کنیم. به شماره ترتیب نسخ این مخزن فرعی اشاره خواهد شد.

اولین نتایج به دست آمده نشان می دهد، که پانزده نسخه از مخزن قدیمی متعلق به نیمه دوم قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) از جزوهای چهار برگی و پنج برگی تشکیل شده اند و این امر به هیچ وجه ربطی به قطع مجلدات و نوع کتاب ندارد. به این پانزده نسخه خطی، سه جلد از مخزن فرعی به شماره های (۴۱۵ و ۱۱۰۸ و ۱۷۷۱ Suppl. Persan)، متعلق به همین دوره را اضافه می کنیم.

نه نسخه خطی که محل تحریر آنها مشخص نیست از جزوهای چهار برگی تشکیل شده اند.^{۳۵} دهمین نسخه

29. F. Richard, *Catalogue des manuscrits persans. I. Ancien Fonds*, Paris, B.N., 1989.

30. Yves Porter, *Peinture et Art du livre: essai sur la littérature technique indo-persane*, Paris - Téhéran, Institut français de recherche en Iran, 1992.

۳۱. به نسخ ذکر شده در فهرست 415, 1108, 1771 Suppl. Persan را نیز باید افزود.

۳۲. در نسخه خطی 136 Persan که جزوهای آن چهار برگی است، کلمات آخر رو و پشت هر صفحه به صورت راده نوشته شده است، ولی این کلمات به هیچ وجه راده نیستند.

میلادی (دوازدهم هجری) و حتی نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری) ادامه داشت.

نوشتن راده طی قرن شانزدهم میلادی (دهم هجری) عمومیت می یابد^{۳۳} و کار کاتب و صحاف را آسان می کند و یکی از ویژگی های اصیل نسخ خطی می گردد. ولی زمان پیدایش آن به طور دقیق معلوم نیست.

از نسخ خطی متعلق به قرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری)، ۲۶ نسخه خطی در جلد اول فهرست ما معرفی شده است، به این مجموعه ۶ نسخه خطی دیگر از مخزن فرعی فارسی به شماره های: ۶۹، ۱۲۰، ۱۱۲۰، ۱۴۳۳، ۱۵۶۴، Suppl. Persan ۱۷۹۴ را می توان افزود. در کنار این مجموعه نسخه ای داریم که بازسازی جزوهای آن به صورت اولیه غیرممکن است، و نسخه دیگری با شماره ۱۶۶ Persan که جزوهای آن بسیار نامرتب است. اما اکثر نسخ این مجموعه یعنی ۲۲ نسخه خطی از جزوهای چهار برگی تشکیل شده اند که یکی از آنها به شماره ۳۷۷ Persan در شیراز، یکی به شماره ۶۹ Suppl. Persan در اندیجان (اندکان) نزدیک فرغانه، یکی به شماره ۱۲۶ Persan در سمرقند، یکی به شماره ۳۶ Persan^{۳۴} ظاهراً در هند، و یکی به شماره ۱۷۹۴ Suppl. Persan در قونیه و بالاخره یکی به شماره ۳ Persan در کریمه استنساخ شده اند.

از هشت نسخه خطی که از جزوهای پنج برگی (یا اکثر آنها از جزوهای پنج برگی) تشکیل شده اند؛ یک نسخه به شماره ۱۷۳ Persan در همدان دیگری با شماره ۲۸۶ Persan در دمشق، یکی در کرمان و نسخه ای با شماره ۱۴۷ Persan در کماخ (ترکیه) استنساخ شده اند. با این پراکندگی محل تحریر، تعیین محدوده جغرافیایی جزوهای چهار برگی و پنج برگی امکان ندارد و با این تعداد اندک نسخه خطی که مورد بررسی قرار گرفته

است تبیین شیوه کار و رسوم کارگاه های مختلف نیز امکان پذیر نیست. همان طور که قبلاً اشاره کردیم نکته ای را نباید از نظر دور بداریم جابه جاشدن کاتبان در سرزمین های اسلامی است که سبب آن دانش اندوزی، زیارت و تعدد کارگاه های کتابت حکمرانان بوده است. ماطی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدیم که در دنیای فارسی زبان اسلام در اصل دو نوع جزو متداول بوده است.

برای نسخ خطی قرن پانزدهم میلادی (نهم هجری)، وضعیت ۸۰ نسخه خطی را بررسی کردیم که ۵۸ نسخه آن در فهرست ما معرفی شده است.^{۳۵} در ۴۶ نسخه از این مجموعه، اکثریت با جزوهای چهار برگی بوده است. در تعداد محدودی از آنها به محل تحریر اشاره شده است: یکی در هرات* (Persan ۳۵۷)^{۳۶}، دیگری در شیراز (Suppl. Persan ۱۸۳۳)، یکی احتمالاً در اصفهان (Persan ۵۱۹)، دو نسخه در تبریز (Persan ۳۱۰) و ۶۸ (Suppl. Persan)، یکی در دربند (Persan ۴۱)، یکی در حلب (Persan ۲۸۰)، و سه نسخه در آسیای صغیر یا امپراتوری عثمانی (I - ۲۲۰ و Persan ۵۰) و (Suppl. Persan ۱۳۹۴) و آخری در استانبول (Suppl. Persan ۱۳۸۰) که برای محمد دوم استنساخ شده است.

از ۲۱ نسخه ای که جزوهای پنج برگی در آن اکثریت دارد، دو نسخه در بوسره (Suppl. Persan ۳۳۵) و (Persan ۲۶۶)، یکی در ابرقوه (Persan ۷۱)، یکی در قونیه (Persan ۱۳۸)، ۸ نسخه در آسیای صغیر (Suppl. Persan ۱۴۷۰ یا ۱۳۹۵، ۱۲۴، ۴۷، ۸۶، ۱۵۶، ۱۹۱، ۲۶۰ Persan) تحریر شده است.

جزوهای برخی نسخ یک دست نیست و به تناوب پنج برگی و چهار برگی هستند؛ مانند نسخه های

۳۳. نسخه خطی به شماره 332 Suppl. Persan، که در اواخر قرن چهاردهم به خط نستعلیق در بغداد استنساخ شده است، دارای راده به خط کاتب است.

۳۴. شاهنامه ای در قطع بزرگ، معروف به شاهنامه دموت که در قرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری) در تبریز استنساخ شده است، دارای جزوهای چهار برگی است (نک):

S.Blair, «On the track of the 'Demotte Shāhnāma manuscript'» در *Les manuscrits du Moyen - Orient. Essais de codicologie et de paléographie*. (۱۳۱ ص ۱۸۴، شماره ۱، ص ۱۳۱)

نسخه دیگری متعلق به همین دوره که به نظر می آید در هند تحریر و تذهیب شده است با شماره 1332 Suppl. Persan نیز از جزوهای چهار برگی تشکیل شده است در عوض نسخه خطی با شماره 63 Suppl. Persan متعلق به قرن پانزدهم میلادی (نهم هجری) یا اوایل قرن شانزدهم میلادی (دهم هجری)، شامل نقل قول های عربی به زبان بهاری، از جزوهای پنج برگی تشکیل شده است.
۳۵. باقی عبارت انداز:

Suppl. Persan 68, 124, 335, 519, 582, 663, 727, 742, 1102, 1115, 1380, 1393, 1394, 1395, 1407, 1448, 1470, 1776, 1793, 1811, 1825, 1833.

۳۶. نسخه خطی از هرات به شماره 1425 Suppl. Persan که به احتمال زیاد متعلق به اواخر قرن پانزدهم میلادی (نهم هجری) است، دراصل از جزوهای چهار برگی تشکیل شده بود. نسخه خطی دیگری از هرات، متعلق به همین قرن و به شماره 176 Suppl. Persan آن چنان فشرده صحافی شده است که جزوهای نظیر آن را نمی توان دید.

آن اشاره کردیم. گاهی یک برگي ها دو ورق جدا از هم هستند که آنها را قرينه هم می‌گذاشتند تا یک برگ ساخته شود. گه گاه در یک نسخه خطی با جزوهای چهار برگي، یک جزو پنج برگي قرار دارد، یا به عکس.

- با بررسی ترکیب و ساخت جزوها به چگونگی استفاده از ورقه کاغذ پی می‌بریم. یک برگ را از قبل، در اندازه‌های نسخه خطی که قرار بود نوشته شود، آماده می‌کردند. اگر ورقي از میان جزوها بریده می‌شد، آن را تبدیل به توارهای کاغذ می‌کردند، و به طور مرسوم بر روی آن صورت حساب یا نسخه (دارو) می‌نوشتند. واقعاً هیچ‌گونه هدر رفتگی وجود نداشت. در نسخ خطی با قطع مستطیل افقی (بیاضی) نیز از این توارهای کاغذ استفاده می‌شد.

از قرن سیزدهم اوراق رنگ آمیزی شده در میان صفحات برخی نسخ مشاهده شده است. مثلاً یک برگ از یک جزو پنج برگي سرخ رنگ آمیزی شده است. این روش چنان متداول شد که بسیاری از نسخ خطی که طی قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی (نهم و دهم هجری) تنظیم شده است، اوراقشان رنگ‌های مختلف دارد و کاغذهای یک کتاب به تناوب سفید، رنگی (رنگ‌های گوناگون)، زرافشان، ابری و غیره است.

طرز قرار گرفتن کاغذ (یک دست بودن جهت مهر کاغذ) [= آب نقش] در کتاب نشان می‌دهد که یک برگ‌ها از پیش آماده می‌شدند تا در جزوها قرار گیرند. طرز استفاده از کاغذ فرنگی، که از اواخر قرن پانزدهم میلادی (نهم هجری) در امپراتوری عثمانی معمول شد، نیز تقریباً به همین ترتیب بود: برگ‌های دو ورقي یا یک ورقي از قبل آماده می‌شدند، یک ورقي‌ها دارای لبه‌ای بودند تا کار ته دوزی را بتوان انجام داد.

از این به بعد معلوم نیست چرا برخی مراکز جزوهای پنج برگي، برخی دیگر شش برگي، سه برگي یا چهار برگي را ترجیح می‌دهند. شاید طبق روش قدمای خود عمل می‌کردند. آیا ممکن است انگیزه‌های عملی‌تری سبب انتخاب جزوهای هشت ورقي و ده ورقي بوده باشد.^{۳۷} به هر حال کاتب، هر برگ را قبل از نوشتن کاملاً صاف می‌کرده است.^{۳۸} چون جزوهای یک کتاب صفحه بندی و نوشته می‌شدند، کار دوخت آنها (جزوهای سه برگي،

۱۳، ۲۵۶، Persan ۳۴۹) یا (Persan ۱۴۵) که در شماخی استنساخ شده است.

به علاوه چند نسخه خطی مشاهده شده است، بدون محل کتابت (Persan ۲۵۹ و ۱۶۲) و با محل تحریر در شیراز (Persan ۲۷۱) و با محل تحریر در هرات (Suppl. Persan ۱۷۷۶)، که از جزوهای سه برگي تشکیل شده‌اند، و دو نسخه خطی دیگر (Persan ۱۳۹ و ۱۷۹۳ Suppl. Persan) که جزوهای آن شش برگي هستند.

تعداد نسخ خطی فارسی قرن شانزدهم میلادی (دهم هجری) که توانستیم مورد بررسی قرار دهیم از صد نسخه بسیار بیشتر است و نوعی ثبات و یک دستی در آنها مشاهده می‌شود. در ایران معمولاً در این دوره، جزوهای چهار برگي به کار رفته است و گاهی به ندرت در نسخ خطی مصور (مانند ۱۳۲۸ یا ۱۵۱۳ Suppl. Persan) جزوها سه برگي هستند. اما در امپراتوری عثمانی جزوهای چهار برگي و پنج برگي هر دو به کار رفته‌اند و ظاهراً نوع اول در نسخه‌هایی دیده می‌شود که از نمونه‌های ایرانی الهام گرفته‌اند.

در قرون بعد (قرن هفدهم میلادی یا زدهم هجری، به بعد) در ایران، جزوهای چهار برگي سلطه کامل دارند. در هند نیز به همین گونه است، مگر در موارد بسیار نادر. در عوض در امپراتوری عثمانی، غیر از برخی نقاط شرق آن، از جزوهای پنج برگي استفاده می‌شد. تأثیر مراکز مهم کتابت (شیراز در قرن شانزدهم میلادی/دهم هجری، با جزوهای چهار برگي و استانبول بین سال‌های ۱۵۵۰ تا ۱۶۵۰ م با جزوهای پنج برگي) می‌توانست بسیار تعیین کننده باشد. رواج این نمونه‌ها تنها از نظر ترکیب و ساخت جزوها بود و به نوع کاغذ آنها به هیچ وجه توجهی نمی‌شد.

این تصویر مختصری که ارائه شد فقط طرحی است که نیاز به پرداخت و اصلاح دارد، بنابراین این امکان را می‌دهد که نکاتی را مطرح کنیم:

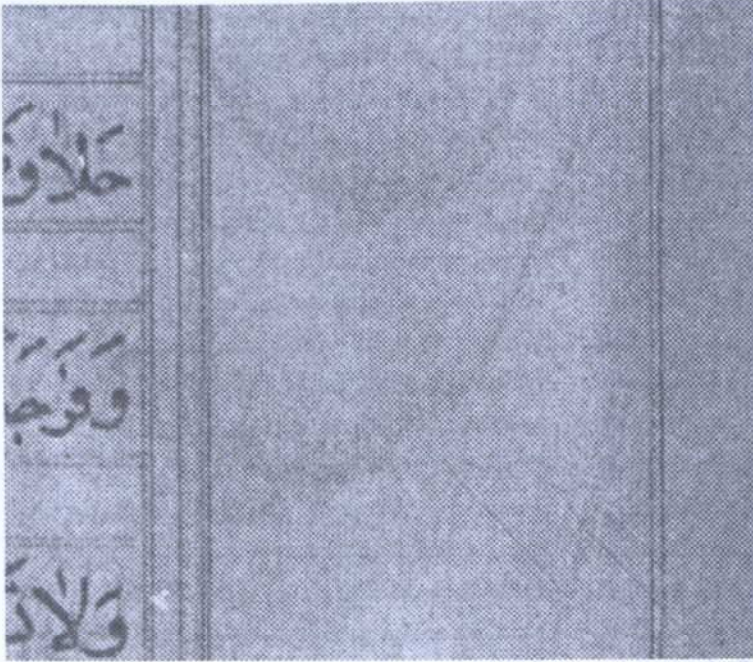
- بی‌نظمی‌ها بسیار است. بیشتر در اول و خصوصاً در آخر نسخ خطی، اوراق دو برگي، سه برگي یا یک برگي قرار داده شده است. البته این یک رسم قدیمی است و مثل همان اضافه کردن یک لت به اوراق یک جزو می‌باشد، که قبلاً در مورد پوست (کاغذ پوست) به

۳۷. در این مورد به نظر خانم Colette Sirat در همین کتاب *Recherches de codicologie comparée* صص ۱۳۱-۱۳۵ رجوع شود.
۳۸. مطمئناً بر اساس تصاویر موجود در نسخ خطی فارسی مصور (ایرانی، عثمانی و هندی) خصوصاً نسخ متعلق به قرن شانزدهم میلادی (نهم هجری) تحقیق جامعی را می‌توان ارائه داد. در این تصاویر مراحل مختلف ساخت کتاب، طرز کار کاغذ ساز، صحاف، صنعتکاری که کاغذ را رنگ، صاف و برآقی می‌کند و نیز کاتب یا خطاط نشان داده شده است.

چهار برگی یا پنج برگی، به همان سبکی که از بسیار قدیم متداول بوده است انجام می‌شد.³⁹

علت مقاوم نبودن عطف جلد‌های نسخ خطی فارسی، عربی یا ترک، طرز سنتی باز کردن کتاب است، با

همان شیوه قرآن یعنی با زاویه ۱۲۰ درجه، تا روی رحل قرار گیرد. کتابی که زیاد مورد مطالعه قرار می‌گرفت، عطف آن باید پیوسته ترمیم می‌شد. تا کنون نیز هیچ گونه راه حل فنی رضایت بخشی برای این مسئله پیدا نشده است.



■ برگ‌گی از صحیفه سجادیه، مورخ ۱۱۱۲ ق، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۴. کاغذ این نسخه از چوب ساخته شده و در نازکی برش آن نهایت مهارت به عمل آمده است. خطوط و موج‌های طبیعی چوب و شکستگی‌ها در اوراق کتاب پیداست.

اصطلاحات بکار رفته در مقاله

cahier	جزو: مجموع اوراقی است که با تا کردن و بریدن یک برگ کاغذ یا پوست در اندازه‌های مختلف بدست می‌آید.
bifeuillet	برگ: قطعه‌ای پوست یا کاغذ مستطیل شکل که از وسط تا شده و تشکیل دو ورق را می‌دهد.
feuille	ورق: هر یک از نیمه‌های یک برگ.
feuille i Aolé	لت: ورق یا ورقه‌های تا نشده که از یک طرف امکان چسباندن را فراهم می‌کند.
binion	دو برگی: جزو دو برگی دارای ۴ ورق یا ۸ صفحه می‌باشد.
termion	سه برگی: جزو سه برگی دارای ۶ ورق یا ۱۲ صفحه می‌باشد.
quatesnion	چهار برگی: جزو چهار برگی دارای ۸ ورق یا ۱۶ صفحه است.
quinion	پنج برگی: جزو پنج برگی دارای ۱۰ ورق یا ۲۰ صفحه است.
senion	شش برگی: جزو شش برگی دارای ۱۲ ورق یا ۲۴ صفحه است.
talom	لبه: باریکه کاغذی که در تک ورق، کار ورق مقابل را انجام می‌دهد.
réclame	راده: کلمه‌ای که در پایین صفحه می‌نوشتند و کلمه اول صفحه بعد بود و در محل اتصال دو جزو نیز نوشته می‌شد.
fleur	رخ: لایه بیرونی پوست که پشم حیوان بر آن قرار گرفته است.
chair	لش: لایه درونی پوست که به گوشت حیوان چسبیده.

39. *Les tranchefiles brodées, étude historique et technique*, Paris, B.N., 1989, pp. 86-89.

نمونه برگرفته شده از نسخه خطی عربی کتابخانه ملی فرانسه به شماره 4818. کارکرد اوکیه جلد در رباط مورد سؤال است؛ آیا در اصل نوعی لفاف نبوده است که در داخل آن جزوهای به هم دوخته شده قرار می‌گرفت؟